

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

همایون "باختریانی"

۱۱ می ۲۰۱۷

تصحیح، تنظیم و شرح لغات: خ. معروفی

دیوان

"عبدالله شهاب تُرشیزی هروی"

۲۸۹

مُلحدنامه

— ۵۵ —

چون رحیم سفله، کُهِف الحَاج گشت
با همه جور و ستمگاری، که داشت
خویش را با فاسقان انباز کرد
آمردی مردود، نام او مُراد
حاجی از عیش زنان بیزار بود
چون مراد افتاد، اندر دام او
گشت حاجی را مُرادِ خیره سر
روز، غرق موجهُ حاجی شده
در شقاوت ثانی حَجَّاج گشت
ملحدی و مردم آزاری، که داشت
راه و رسم قوم لوط آغاز کرد
از قضا در دام حاجی، او افتاد
میل او با مُردمان بسیار بود
جمله حاصل شد، مراد و کام او
هم زن و هم شوهر زن، هم پسر
شب، انیس زوجهُ حاجی شده

^۱ - در اصل دیوان حاضر "لوت" آمده است، که به "لوط" تصحیح گردید. قصه قوم لوط را از زبان قرآن همه شنیده ایم و این، که خود لوط پیغمبر بود، مگر قومش راه غلط را در پیش گرفته بود؛ خلاف ارشادات خود لوط نبی. و ترکیب مصدری عربی "لواطت" هم از ریشه "لوط" برحاسته است.
^۲ - "مردمان" اصلاً جمع "مردم" و شامل مرد و زن است. در مصراع متضمن این ترکیب، اما "مردمان" تنها مراد از "مردان" است.

گشته حاجی در میان مرد و زن مَوردِ طَعْنِ زبانِ مرد و زن
زُهره، بر اوج سپهر سبزرنگ این غزل می‌خواند ^۳ با آواز چنگ

* * *

^۳ - عبارت نشانی شده با خطِ زیر در مصراع، در اصل دیوان حاضر "باواز بلند" آمده است، که صریحاً ناصواب است!!! ازین رو با ترکیب "به آواز چنگ" تعدیل گردید، تا از یک طرف قافیهِ با "رنگ" تأمین شود و از طرف دیگر آئین قدیم ادب دری، که "زُهره" را همیشه با "چنگ" توأم دانسته و "چنگی" می‌خواند، تکافؤ گردد. یقین دارم، که اصل عبارت مراد شاعر ماهری در حدّ "شهاب" نیز چنین بوده است، ولی دست‌واشوریهای ناسخان نالایق و شعر نافع، باعث شیوع چنین بلیه ادبی گشته است. (معرفی)